

پیش‌خواران

«تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی» در آیینۀ دیدگاه‌ها

شفاهیت، پیامدها و آسیب‌ها

■ محمد رضا کاتبینی



اثری که هم‌اینگ در معرفی آن سخن می‌رود، در عداد کتب نوانتشار تاریخ معاصر ایران است و به بازنمایی گفتارها و مقالات کنگره «تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی» می‌پردازد.

آنچه در این مجموعه

آمده است، موضوعاتی تاریخی و متنوع را شامل می‌شود که وجه مشترک آن، ارتباط با مقوله تاریخ شفاهی است. ناشر در دیباچه این اثر درباره محتوای آن چنین آورده است:

«پیروزی انقلاب اسلامی ایران به عنوان بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین رخداد سیاسی و فرهنگی، نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران بود که شناخت ابعاد مختلف آن، مستلزم پژوهش‌های جدی تاریخی است. تا کنون آثار بسیاری چه در داخل کشور و چه در خارج در خصوص پدیده انقلاب اسلامی، زمینه‌های تاریخی‌گیری و پیامدهای آن در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به رشته‌تحریر درآمده است. طی چند دهه اخیر موافکان و مخالفان انقلاب از نیروهای مذهبی گرفته تا سلطنت‌طلبان و... با دیدگاه‌های مختلف به تولید اثر در این زمینه پرداخته و هر یک با رویکرد خاص خود به تبیین دلایل شکل‌گیری و پیامدهای گسترده آن پرداخته‌اند. انتشار آثار فراوان در زمینه انقلاب اسلامی، نقد و بررسی روایات‌های مختلف و گاه متناقض در این عرصه را ایجاب می‌کند.

در این میان، تاریخ شفاهی یکی از روش‌های پژوهش تاریخی است که به تدریج به یکی از کارکن مهم تاریخ‌نگاری تبدیل شده و طی چند دهه اخیر و به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی مورد توجه جدی پژوهشگران قرار گرفته و آثار قابل توجهی در این زمینه منتشر شده است. با توجه به اهمیت جایگاه تاریخ شفاهی در حوزه تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی،



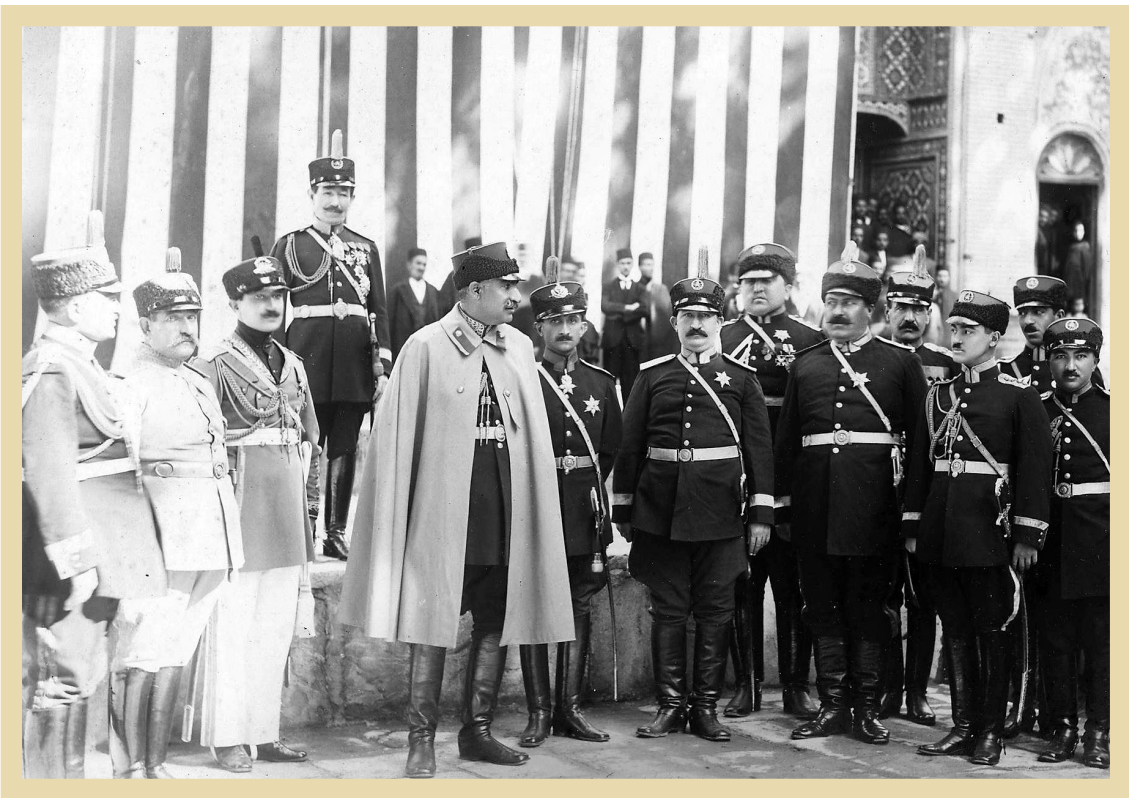
■ دکتر موسی فقیه‌حقانی

دهمین نشست تاریخ شفاهی ایران با عنوان «تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی» به همت مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و انجمن تاریخ شفاهی در بهمن‌ماه ۱۳۹۴ برگزار شد. اثر پیش‌رو مجموعه مقالات و سخنرانی‌هایی است که در دهمین نشست تاریخ شفاهی ایران ارائه شده است. هدف از برگزاری این همایش، نقد و بررسی آثار منتشر شده در حوزه تاریخ شفاهی با موضوع انقلاب اسلامی در داخل و خارج از کشور است. در این نشست پژوهشگران حول محور موضوعاتی همچون اسام حیمینی و روحانیت، فرهنگ و هنر، اقتصاد و معیشت، طبقات و اصناف، سیاست، احزاب و گروه‌ها به ارائه سخنرانی پرداخته‌اند. امیداست این اثر گامی در جهت تبیین نقش تاریخ شفاهی در عرصه تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی باشد.»

دکتر موسی فقیه حقانی دبیر و مدیر این کنگره نیز در بخشی از سخنرانی افتتاحیه این همایش درباره زمینه‌های تشکیل آن چنین گفته است: «از حدود یک سال پیش به پیشنهاد انجمن تاریخ شفاهی قرار شد این همایش با همکاری مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران برگزار شود. ما هم با توجه به اهمیت موضوع تاریخ شفاهی و نیز اهمیت انقلاب اسلامی از آن استقبال کردیم، اما چرا تاریخ شفاهی؟! در حال حاضر تاریخ‌نگاری شفاهی به عنوان یکی از مستندات جدی تاریخ‌نگاری مدنظر است و کارهای مفصلی در این حوزه انجام گرفته و با توجه به اینکه تاریخ شفاهی در ثبت وقایع پیشگام است این اهمیت را خود به خود ایجاب می‌کند که به طور جدی به آن پرداخته شود؛ هم از جهت روش و هم نوع کارهایی که تاکنون منتشر شده است. در حال حاضر، مؤسسات مختلفی در داخل و خارج از کشور فقط درخصوص ایران فعالیت دارند. خصوص کشور‌های دیگر هم همین‌طور است، اما در خصوص ایران و انقلاب اسلامی در داخل و خارج مؤسسات متعددی این کار را انجام می‌دهند. مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر هم از مؤسسه‌ای است که می‌توانم ادعا کنم در این زمینه پیشگام بوده و کارهای خوبی انجام داده است. هم‌زمان سعی کردیم منتشر هم بکنیم و در دسترس قرار بدهیم. در هر صورت، امکانات و ظرفیت‌هایی در تاریخ شفاهی وجود دارد که معمولی به یک به‌اصطلاح تحلیل‌گفتمان در حوزه تاریخ‌نگاری معاصر ایران تبدیل کرده است...»

عاریخ

کفت و گو ۸۸۴۹۸۴۳۷



چند و چون تصویب ماده واحده انقراض سلسله قاجار در مجلس پنجم، واکنش‌ها و پیامدها

یا موافقت یا ترور!

تکلیف قطعی حکومت موکول به نظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد ۳۶، ۳۷ و ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل می‌شود.

■ **جلسه ۷ آبان در غیبت آیت‌الله مدرس**

با وجود اینکه اکثریت نمایندگان مجلس به این طرح رأی مثبت داده بودند، باز هم بیم آن می‌رفت که ناطقان زبردست جناح اقلیت و نمایندگان مستقل در روز موعود، با مخالفت آشکار خود، مجلس را متشنج و طرح را با شکست روبه‌رو کنند. لذا تصمیم گرفته شد در صورتی که کسی با این طرح مخالفت کند، بلافاصله ترور شود. در روز هفتم آبان، مدرس به علت بیماری به مجلس نیامد و مصدق، مستوفی‌الممالک، مشیرالدوله و زعیم از جناح اقلیت و مستقل مجلس را ترک کردند. فقط ملک‌الشعراى بهار با وجود غیبت اکثر رفقای خود در مجلس ماند و از خطر مرگ حتمی نجات پیدا کرد، زیرا کسانی که قصد ترور مخالفان را داشتند، در بیرون مجلس، واعظ قزوینی را که به او شباهت داشت ترور کردند. اولین جلسه رسیدگی به ماده واحده تغییر سلطنت در روز هفتم آبان ۱۳۰۴ به ریاست تدین، نایب‌رئیس مجلس برگزار شد. رئیس کمیسیون عرایض دربراره تلگراف‌های متعددی که توسط بزرگان و مشاهیر نقاط مختلف کشور و کمیسیون مختلط ملی آذربایجان اقرار گوناگون مبنی بر عدم رضایت از سلسله قاجار و لزوم تغییر سلطنت برای مجلس فرستاده شده بود، گزارش داد. علی‌اکبر داور طی نطقی با اشاره به انبوه غیر قابل شمارش تلگراف‌ها و درخواست‌ها اعلام کرد که تنها مأخذ و مبنای تصمیم‌گیری مجلس برای تغییر سلطنت، این تلگراف‌ها و درخواست‌ها نیستند، بلکه تمام رویدادهای دو سال گذشته، ناراضیاتی

عامه مردم از سلطنت قاجار را نشان می‌دهد و اگر در این زمینه چاره‌جویی نشود، مملکت با اوضاع فاجعه‌باری روبه‌رو خواهد شد. پس از داور، بهار از رهبران جناح اقلیت هم در سخنان خود خواهان رفع فوری بحران شد، اما هشدار داد که مجلس نباید مملکت را فدای اشخاص کند، بلکه باید حافظ قانون اساسی باشد و مصالح مملکت را در نظر بگیرد. جناح اقلیت برای تغییر سلطنت، انجام همه‌پرسی را راه‌حل مناسبی می‌دانست، زیرا معتقد بود چنانچه مجلس دست به این کار بزند، این موضوع به صورت یک سنت دربیاید و کشور در اوضاع نریک به هم دستخوش تلاطم و تغییرات فواصل نزدیک می‌ماند. بهار از طرف اقلیت هشدار داد که نباید اساسی‌ترین مقام مجلس را به بهترین گزینه که در این کار عجله کرد و حتی اگر این تغییر پنج شش ماه هم طول بکشد، ضرورت دارد که مجلس این وقت را بگذارد.

■ **شلیک به سوی بهار پس از سخنرانی تاریخی**

سخنان ملک‌الشعراى بهار در آن جو سنگین که اقلیت مجلس زیر فشارهای فزاینده و حتی خشونت‌بار و قهرآمیز رضاخان قرار داشت، بسیار شجاعانه به نظر می‌رسید. هر چند که قبل از ایراد نطق توسط بهار، ظاهرآ رضاخان به او سفارش‌هایی کرده بود. بهار بلافاصله پس از سخنرانی صحن مجلس را ترک کرد و به یکی از اتاق‌های مجلس رفت. پس از او تهرانی و دستنیب صحبت و اشاره کردند که قانون اساسی را ملت وضع کرده و عدل اوست که باید آن را اصلاح کند یا تغییر بدهد. بهار حائری‌زاده صحبت کرد و گفت که مجلس جای روضه‌خوانی نیست و این‌گونه مسائل دقیق حقوقی را ابتدا باید عده‌ای موققدان مجرب و کارکشته مورد بحث و بررسی قرار بدهند و سپس نتیجه مذاکرات خود را به مجلس ارائه کنند. در پی سخنان حائری‌زاده جو مجلس متشنج شد و مشاجرات بالا گرفت. بیرون از مجلس و در میدان بهارستان هم چند تیر شلیک شد که یکی از آنها به پنجره مجلس خورد و نمایندگان را به وحشت انداخت. آنها از مجلس بیرون آمدند و نظمیه ساعتی بعد توانست اوضاع را تحت کنترل درآورد. نایب‌رئیس مجلس نمایندگان را به ادامه سخنرا خواند، اما تعداد نمایندگان به حدنصاب رسمی نرسید و جلسه به روز نهم آبان موکول شد. تیراندازی‌های بیرون از مجلس در واقع برای ترور ملک‌الشعراى بهار صورت گرفته بود، اما ضاربین واعظ قزوینی، مدیر روزنامه‌های رعد و قزوین را که برای رفع توقیف از روزنامه‌های خود به تهران آمده بود، با بهار اشتباه گرفتند. خبر تیراندازی به بهار به رضاخان که در باغ سفارت فرانسه مهمان بود، رسید.

■ **تدارک لیدرهای رضاخان در مجلس برای جلسه ۹ آبان**

همزمان با نزدیک شدن جلسه روز نهم آبان ماه، داور، تدین و تیمور تاش جلسه‌ات فشرده‌ای را با رضاخان برگزار کردند تا بر اساس دستورات او جلسه نهم آبان را اداره کنند. نمایندگان طرفدار رضاخان با پیشنهاد ملک‌الشعراى بهار برای انجام همه‌پرسی مخالف بودند، زیرا بیم آن داشتند که هر روز تأخیر در تعیین تکلیف قاجاریه توسط مجلس یا شیوه‌های دیگر، مشکلات پیش‌بینی نشده‌ای را به وجود آورد. به همین دلیل قرار شد خلع قاجاریه در جلسه روز نهم به طور قطعی تصویب شود، اما تعیین تکلیف جانشینی سلطنت و بازنگری در قانون اساسی به مجلس مؤسسان محول شود. مجلس در روز نهم آبان به ریاست تدین، نایب‌رئیس مجلس، آغاز به کار کرد. بر اساس نظام‌نامه داخلی ابتدا باید رئیس مجلس انتخاب و سپس مجلس وارد دستور می‌شد. به همین دلیل مدرس با تأکید روی این مسئله که

درد

با وجود اینکه اکثریت نمایندگان مجلس به طرح انقراض سلسله قاجار رأی مثبت داده بودند، باز هم بیم آن می‌رفت که ناطقان زیر دست جناح اقلیت و نمایندگان مستقل در روز موعود، با مخالفت آشکار خود، مجلس را متشنج و طرح را با شکست روبه‌رو کنند. لذا تصمیم گرفته شد در صورتی که کسی با این طرح مخالفت کند، بلافاصله ترور شود!

انتخاب رئیس بر هر دستوری مقدم است، در مورد عدم انتخاب رئیس و عدم قرائت استعفاى مستوفی‌الممالک اخطار قانونی داد. پس از قرائت استعفاى مستوفی را قرائت کرد و کمیسیون عرایض بقیه گزارش خود را که از جلسه قبل ناتمام باقی مانده بود، به مجلس ارائه کرد. سرانجام پیشنهاد واحده انقراض قاجاریه قرائت و حکومت موقتى به رضاخان واگذار شد. بلافاصله پس از قرائت این ماده، مدرس اعتراض کرد و گفت: این ماده خلاف قانون اساسی است، حتی اگر صدهزار رأی موافق هم بدهید و سپس با خشم مجلس را ترک کرد. تدین دستور رأی‌گیری داد و مجلس با اکثریت آراء، انقراض قاجاریه را اعلام کرد.

■ **شرایط کلی کشور هنگام برگزاری جلسه تاریخی مجلس**

در اینجا بد نیست که به علل مخالفت جناح اقلیت مجلس و نمایندگان مستقل با تغییر سلطنت اشاره‌ای داشته باشیم. در پی کامیابی‌های مداوم رضاخان در عرصه سیاست داخلی و خارجی، به خصوص پس از اعطای فرماندهی کل قوا به او و تبلیغات و دیسیه‌های سازمان‌یافته علیه احمدشاه، فعالان سیاسی به این نتیجه رسیدند که او واجهت و جایگاه خود را به عنوان پادشاه از دست داده و لیاقت اداره کشور را ندارد. بنابراین بهتر است که فردی لایق ران جایگزین او شود. دکتر مصدق این روشیه را اصلاحات به سبک غرب و نیز سرخوردگان از نهضت مشروطه که اکثریت فعالان سیاسی را تشکیل می‌دادند، رضاخان را بهترین گزینه برای تصدی این مقام می‌دیدند، در حالی که اقلیت اندکی هم به دلیل وفاداری به اصول مشروطه و قانون اساسی، معتقد بودند که باید شاهزاده‌ای قاجاری یا ولیعهد جانشین احمدشاه شود. جالب اینجاست که هیچ‌یک از جریانات سیاسی قائل به حذف رضاخان از عرصه سیاست نبودند و حضور او را در مقام مهمی چون فرماندهی کل قوا و ریاست وزراى لازم می‌دیدند. تنها اختلاف جریانات بر سر جایگاه او در آینده سیاسی مملکت بود. مدرس و همکمران او معتقد بودند که رضاخان به عنوان وزیر جنگ انتخاب شایسته و درستی است و اگر او به این مقام ناعادت کند، همه نوع حمایت فکری و عملی لازم را از او به عمل خواهند آورد. عده‌ای دیگر از جمله چهره‌های مستقل و وجیه‌الملله مجلس، رضاخان را حاکمانه به عنوان رئیس الوزراىی کارآمد و پرتوان قبول داشتند و تکیه زدن او بر تخت سلطنت را نه مناسب و نه مطلوب می‌دانستند، زیرا احتمال تبدیل شدن او به پادشاهی مستبد را می‌دادند که مملکت را به سمت تاریشتپی سقوط می‌برد و وضعیت را از قبل بدتر می‌کرد. مشاوران سردار سپه نیز به این نتیجه رسیده بودند که پیشروى‌های رضاخان را نمی‌توان متوقف کرد. رضاخان تنها مدت‌های پس از کودتا، مشکلات روزافزون کشور را به متصدیان ارشد و مسندنشینان وزارت منتسب می‌کرد، اما به تدریج به این نتیجه رسید که باید شاه را برکنار کرد. رضاخان تنها مدت‌های پس از کودتا، ۸۵ رأی مأخوذه به تصویب رسید. نمایندگان که با ترک مجلس از رأی دادن خودداری کردند یا رأی منفی دادند عبارت بودند از:

■ **داور و قریب مستوفی‌الممالک به هنگام برگزاری جلسه تاریخی مجلس**
پس از سخنان دولت‌آبادی، کفایت مذاکرات اعلام و رأی‌گیری رسمی آغاز شد و سرانجام انقراض قاجاریه با ۸۰ رأی موافق از ۸۵ رأی مأخوذه به تصویب رسید. نمایندگان که با ترک مجلس از رأی دادن خودداری کردند یا رأی منفی دادند عبارت بودند از: حسین مدرس، مصدق، مستوفی‌الممالک، مؤتمن‌الملک، مشیرالدوله، حسین علا، یحیی دولت‌آبادی، تقی‌زاده، اشتیانی، ملک‌الشعراى بهار، محیی‌الدین شبرایز و زعیم کاشانی. قفسه ملاقات مستوفی‌الممالک با رضاخان هم جالب است. رضاخان که مطمئن بود مستوفی‌الممالک به طرح موضوع انقراض قاجاریه رأی منفی خواهد داد، در روز نهم آبان ۱۳۰۴ از او دعوت کرد که به منزلش برود. مستوفی‌الممالک احتمالاً به انگیزه منصرف کردن سردار سپه از طرح موضوع در مجلس، دعوت او را پذیرفت، اما رضاخان او را تا به صدا در آمدن غرض شلیک توپ که نشانه تصویب طرح در مجلس بود منتظر گذاشت، سپس نزد او رفت و گفت به ناچار شما را منتظر گذاشتم تا این واحد تصویب شود، چون دلم نمی‌خواست بین من و شما کدورتی به وجود بیاید. پس از تصویب ماده واحده، تدین نایب رئیس و گرداننده مجلس شورای ملی، همواره با اعضای هیئت رئیس، انقراض قاجاریه را به اطلاع رضاخان و عدم تمایل به پشتیبانی از احمدشاه که در برزخ بین واگذاری کامل اختیارات به رضاخان و عدم تمایل به پشتیبانی از احمدشاه گذر تا روزه بودند، چاره‌ای جز سکوت نداشتند، چون در عین حال که گاهی به جهت‌گیری‌های شایسته‌ای برای احمدشاه نمی‌شناختند.

■ **مروری بر علل مخالفت جناح اقلیت مجلس**

همان‌گونه که اشاره شد، مدرس قبل از

رأی‌گیری برای تصویب طرح ماده واحده به نشانه اعتراض، مجلس را ترک کرد، اما تقی‌زاده، مصدق، یحیی دولت‌آبادی و حسین علاه در مخالفت با آن صحبت کردند. تقی‌زاده گفت که من رضاخان را از جان خودم بیش‌تر دوست دارم و خیر او را می‌خواهم، اما شیوه مجلس برای انجام این امور از نمی‌پسندم. او پس از سخنرانی به تأسی از مدرس از مجلس خارج شد. مفصل‌ترین و مستدل‌ترین نطق علیه طرح تغییر سلطنت را دکتر مصدق ایراد کرد. او ابتدا قرائسی را از جیب خود درآورد و از نمایندگان خواست به احترام آن از جا برخیزند و پس از ادای شهادتین سوگند یاد کرد که جز صلاح و خیر مملکت مقصود دیگری ندارد. او در مورد قاجاریه گفت که متأسفانه هیچ خدمت شایان‌توجهی که قابلیت دفاع داشته باشد انجام نداده‌اند و آخرین پادشاه این سلسله هم دارای ضعف‌ها و کاستی‌های زیادی است و از سرب‌بی‌علاقگی به سرنوشت کشور، در مواقع خطر و اضطراب کشور را ترک می‌کند و می‌رود و به همین دلیل شایسته دفاع نیست. مصدق سپس از خدمات رضاخان تجلیل و تأکید کرد که در پرتو تلاش‌های او نظم و امنیت به کشور برگشته و اوضاع بهبود یافته است. مصدق سپس به بازنگری قانون اساسی و پیامدهای آن در سطح داخلی و بین‌المللی پرداخت و گفت که از نظر داخلی، با عزل سلسله قاجار، بی‌تردید مشکلات سیه‌کانندپداست. در نظام سیاسی مبتنی بر مشروطه، مقام و اختیارات و وظایف رئیس‌الوزرا خیلی بیشتر از پادشاه است اما اینکه یک نفر هم شاه، هم رئیس‌الوزرا، هم فرمانده کل قوا باشد، از تجاع و استبداد محض است. چنین حکومتی در رنگ‌بهار هم سابقه ندارد و پس از ۲۰ سال کشمکش و خونریزی، نوعی بازگشت به قهقراست. اگر سر مرا هم ببرید و تکه‌تکه‌ام کنید و هزاران فحش و ناسزا را به من بگویید، زیربار این تصمیم نمی‌روم. چرا خون شهدای راه آزادی را به باد می‌دهید؟ کتر مصدق سپس اشاره کرد که اگر سردار سپه پس از تغییر سلطنت در چارچوب قانون اساسی اصول مشروطیت هم عمل کند، تبدیل کردن او به یک پادشاه غیرمسمول، یعنی از دست دادن یک نیروی کارآمد و لایق و مؤثر که آشکارا بر زبان کشورش و در دست مصدق این رویه را از نظر محافل بین‌المللی و از بعد خارجی هم محکوم کرد و تغییر قانون اساسی را معارض با مصالح کشور، ملت و حتی مخالف اسلامیت ایران‌باور بشمرد و تزلزل قانون اساسی را مایه انحطاط کشور دانست. سپس یادآور شد که سخنان او بدین معنا نیست که قانون اساسی همچون قوانین الهی تغییر‌ناپذیرند، اما نباید عجله به خرج داد و باید الزامات و ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر تغییر آن را تأیید کرد. مصدق پس از اتمام سخنانش مجلس را ترک کرد.

پس از مصدق، علی‌اکبرخان داور به انتقاد از او پرداخت و ادعا کرد بر خلاف دکتر مصدق گفت هیچ معلوم نیست که سردار سپه، هم نخست‌وزیر و هم وزیر جنگ شود و قطعاً مجلس با این کار موافقت نخواهد کرد. پس از داور یحیی دولت‌آبادی صحبت و از خدمات رضاخان تجلیل کرد و خواهان ادامه فعالیت او در سمت فعلی او شد. او که از مشاوران نزدیک رضاخان بود، انقراض سلطنت قاجاریه را امری مطلوب، اما قانون اساسی را نامطلوب دانست. او پس از نطق خود مجلس را ترک نکرد و نشان داد که نوع مخالفتش با دیگران تفاوت دارد.

■ **قافران قریب مستوفی‌الممالک به هنگام برگزاری جلسه تاریخی مجلس**
پس از سخنان دولت‌آبادی، کفایت مذاکرات اعلام و رأی‌گیری رسمی آغاز شد و سرانجام انقراض قاجاریه با ۸۰ رأی موافق از ۸۵ رأی مأخوذه به تصویب رسید. نمایندگان که با ترک مجلس از رأی دادن خودداری کردند یا رأی منفی دادند عبارت بودند از: حسین مدرس، مصدق، مستوفی‌الممالک، مؤتمن‌الملک، مشیرالدوله، حسین علا، یحیی دولت‌آبادی، تقی‌زاده، اشتیانی، ملک‌الشعراى بهار، محیی‌الدین شبرایز و زعیم کاشانی. قفسه ملاقات مستوفی‌الممالک با رضاخان هم جالب است. رضاخان که مطمئن بود مستوفی‌الممالک به طرح موضوع انقراض قاجاریه رأی منفی خواهد داد، در روز نهم آبان ۱۳۰۴ از او دعوت کرد که به منزلش برود. مستوفی‌الممالک احتمالاً به انگیزه منصرف کردن سردار سپه از طرح موضوع در مجلس، دعوت او را پذیرفت، اما رضاخان او را تا به صدا در آمدن غرض شلیک توپ که نشانه تصویب طرح در مجلس بود منتظر گذاشت، سپس نزد او رفت و گفت به ناچار شما را منتظر گذاشتم تا این واحد تصویب شود، چون دلم نمی‌خواست بین من و شما کدورتی به وجود بیاید. پس از تصویب ماده واحده، تدین نایب رئیس و گرداننده مجلس شورای ملی، همواره با اعضای هیئت رئیس، انقراض قاجاریه را به اطلاع رضاخان و عدم تمایل به پشتیبانی از احمدشاه که در برزخ بین واگذاری کامل اختیارات به رضاخان و عدم تمایل به پشتیبانی از احمدشاه گذشت تا روزه بودند، چاره‌ای جز سکوت نداشتند، چون در عین حال که گاهی به جهت‌گیری‌های شایسته‌ای برای احمدشاه نمی‌شناختند.

■ **مروری بر علل مخالفت جناح اقلیت مجلس**

همان‌گونه که اشاره شد، مدرس قبل از